

Dr. Bagheri's Online Critical Thinking Courses

دوره آموزش مهارت تفکر در تلویزیون آینه

جلسه سی ام

فضیلت های فکری

Intellectual Dispositions (Virtues)

این برنامه آموزشی با پشتیبانی و حمایت بنیاد غیر انتفاعی آینه تهیه و تقدیم حضور شما عزیزان میشود. در این بسته آموزشی که صد جلسه خواهد بود، اصول درست فکر کردن بر اساس آموزه های تفکر نقادانه، (Critical Thinking) و همچنین با بهره گیری از آخرین یافته های علمی در زمینه تفکر، آموزش داده میشود. هدف از این برنامه ها آشنایی همگان با اصول درست اندیشیدن است تا از این طریق شاهد گسترش هر چه بیشتر عقل ورزی و خردگرایی در جامعه و زدودن خرافات از ذهن ها باشیم.

بدون شک، تفکر صحیح و بدون بدور از جزم اندیشی نیازمند آموزش است و معمولا به شکل طبیعی در کسی شکل نمیگیرد. با بهره گیری از اصول تفکر منطقی و منصفانه میتوان باورهای منطقی و مستدل داشت، تصمیم های با کیفیت تری گرفت، در پیدا کردن راه حل برای مشکلات موفق تر عمل کرد، احساسات و عواطف خود را بهتر به کنترل خود در آورد، و در کنار اینها از قابلیت تفکر در آموزش و یادگیری بهره برد و کیفیت یادگیری را بالاتر برد. از این رو مهارت درست فکر کردن در مجامع دانشگاهی مورد توجه قرار گرفته و اصول تفکر صحیح به شکلی آکادمیک طراحی میشود تا به افراد جامعه کمک کند تا تصمیم های منطقی تری بگیرند و در حل مشکلات و مسائل با تیزبینی عمل کنند. امیدواریم این برنامه ها مورد توجه شما عزیزان قرار گیرد.

طرح چند سوال:

فضیلت های فکری

در جلسه گذشته یاد آور شدیم که تفکر منصفانه و منطقی شامل دو بخش میشود. فراگرفتن یک سری توانایی ها مثل تشخیص مغلطه در یک سخنرانی و دیگری ایجاد یک سری از خصلت های فکری مثل تواضع فکری (intellectual humility)

یادآور شدیم که لیست های مختلفی بوسیله متخصصین تفکر نقادانه برای این دو بخش از تفکر پیشنهاد شده است. البته این دو بخش کاملا از هم جدا نبوده (mutually exclusive) و برخی از مهارت ها جنبه ای از فضیلت را در خود دارد و بالعکس.

برخی از خصلت های فکری صرفاً جنبه خصلتی محض نداشته و تا اندازه ای مولفه مهارت را نیز در خود دارند. یعنی ایجاد آن محدود به این نیست که شخص بخواهد و اراده کند، این ویژگی را داشته باشد. بلکه باید مقداری تلاش و کسب مهارت هم دخیل باشد.

یکی دیگر از مسائلی که باید به آن توجه کرد این است که این خصلت های فکری با یکدیگر رابطه درون سیستمی دارند یعنی اینکه ایجاد و تقویت هر یک از اینها مستلزم ایجاد و تقویت دیگر خصلت ها نیز هست.

هماهنگی و هارمونی بین این اجزا در تفکر شخص بسیار حائز اهمیت است. اگر تفکر را در کلیت خودش مثل نواختن موسیقی فرض کنیم به همان ترتیب که هماهنگی بین ارکان یک ارکستر در تولید اثری موزون اهمیت دارد هماهنگی ارکان تفکر نیز چنین اهمیتی دارد

پس درست فکر کردن دو بال دارد. مهارت ها و تکنیک ها یک بال تفکر هستند. بال دیگر خصلت های فکری است.

چنانچه، این بعد از تفکر نقادانه مورد توجه قرار نگیرد، چه بسا فرد تلاش کند تا از توان ذهنی اش و مهارت هایی که یاد گرفته، در راستای سود و منفعت خود یا گروه خود استفاده کند و از مسیر انصاف خارج شود.

همانطور که گفتم این خصلت های فکری **بعد اخلاقی تفکر نقادانه** هستند. کسانی هستند که تلاش میکنند مهارت های فکری را بیاموزند، نه به این منظور که درک درستی پیدا کنند و در تفکر و اندیشه منصف باشند بلکه به این انگیزه که در بحث و جدل بتوانند دست بالا داشته باشند و قدرت متقاعد کردن، اغواکردن، تحریک کردن، تلقین کردن، وسوسه کردن و تهییج کردن افراد را پیدا کنند.

درست مثل سوفیست های زمان سقراط که در بی صداقتی فکری شهره بودند و سفسطه کردن را به افراد یاد میدادند. اینها در فن مغالطه بسیار زبردست بودند میتوانستند هر نظری را منکوب کنند. هنوز هم هستند سیاستمداران، تاجران و مبلغان مذهبی که با تکیه بر فن سخنوری شان میتوانند افکار ضعیف تر را طعمه خود کنند.

جالب است بدانید ما در کنفرانس های تفکر نقادانه گاهی اوقات با افرادی برخورد میکنیم که انگیزه شان از شرکت در کنفرانس این است تا فن به کنترل در آوردن افکار دیگران را بیاموزند. آمده اند تا از این بحث ها بهره ای ببرند تا بهتر بتوانند قدرت اغوا و تلقین خود را بکار بگیرند.

یعنی هدفی را دنبال میکنند درست عکس آنچه تفکر نقادانه اصیل دنبال آن است. اینها دنبال **احاطه فکری** هستند یعنی میخواهند از مهارت های تفکر استفاده کنند تا بتوانند بر ذهن دیگران تسلط پیدا کنند تا بتوانند کالایی را یا عقیده ای را به آنها بفروشند.

در یک تقسیم بندی که ریچارد پال انجام میدهد افراد را به سه گروه تقسیم میکند. **گروه اول** که با تفکر نقادانه و اصول و ضوابط آن **بیگانه** هستند

گروه دوم آنها که تفکر نقادانه را میدانند اما از فضیلت های فکری بی بهره هستند که اینها وجودشان برای جامعه و دیگران اتفاقا بسیار مضر میتواند باشد چون قدرت احاطه فکری پیدا میکنند و ممکن است دیگران را طعمه مهارتهای فکری خود کنند مثل سیاستمداران فاسد و بیزینس من های متقلب و **گروه سوم** کسانی هستند که متفکر نقاد هستند که در کنار مهارت های فکری ، فضیلت های فکری را در خود ایجاد کرده اند

متفکر نقاد کسی است که منصفانه، مسئولانه و اخلاق مدارانه از توانایی های فکری خود استفاده میکند.

تفکر نقادانه نظام اخلاقی خاص خودش را دارد که تحت عنوان فضیلت های فکری مطرح میشود و خوب حال ببینیم این خصلت های فکری چه هستند و متفکر نقاد چه ویژگیهای اخلاقی و تربیتی دارد:

- خصلت اول:

کنجکاوی فکری یا intellectual curiosity یعنی اینکه متفکر نقاد فردی **کنجکاو و جویای دانش** است. اشتیاق او به دانستن حقیقت ، او را به فراگیری دانش علاقه مند میکند. او با ذهنی کنجکاو، همواره پرسش های اساسی طرح میکند و به جستجوی پاسخ می پردازد. او اشتباهات سیری ناپذیری به دانستن دارد.

البته میدانند که دانستن چه مطالبی ارزش وقت گذاشتن دارد و سعی میکند به دنبال مسائل مهم و اساسی برود و حس کنجکاوی و اشتیاق به دانستن را صرف امور بیهوده و فرعی نمیکند. بقول آقای ملکیان اینکه در این اتاق مثلا 70 تا مورچه هست یا کمتر یا بیشتر چه اهمیتی دارد که ما بخواهیم وقت خودمان رو صرف کنیم تا به عدد درست برسیم. بسیاری از مطالب و موضوعات هیچ ارزش وقت گذاشتن ندارند و دردی را دوا نمیکند. اگر دیدیم مثلا بحث پیرامون جن به هیچ درد ما نمیکورد ، چرا وقت ارزشمند خود را صرف آن کنیم.

باید مراقب باشیم کنجکاوی و میل به دانستن ما به بیراهه نرود. از کسانی نباشیم که اوج کنجکاوی فکری شان در این خلاصه میشود که فلانی لباس عروسی اش را از کجا خریده یا اگر انسان با جن ازدواج کند، فرزند آنها چه خواهد بود.

کنجکاوی هوشمندانه داشته باشیم. دنبال فهم چیزهایی باشیم که ارزش دانستن دارند. گاهی دیده می شود در مسابقات تلویزیونی از شرکت کنندگان سوال هایی پرسیده میشود که پاسخ دادن به آنها مستلزم از حفظ کردن بخشی از دایره المعارف است. اینکه نام یک پل که بین دو روستا در فلان استان واقع است چیست چه اهمیتی دارد؟ البته هر کسی متناسب با کار و تخصص خود باید برخی معلومات را داشته باشد. مثلا مفسرین فوتبال باید اطلاعات دقیقی از بازیکنان و تیم ها داشته باشند ولی چرا من نوعی باید بدانم گل اول برزیل در جام جهانی 98 توسط کدام بازیکن به ثمر رسید؟

داشتن اطلاعات عمومی، امری ضروری و لازم است ولی دلیلی ندارد بخواهیم در باره موضوعاتی که به زندگی و کار ما ارتباط چندانی ندارد، اطلاعات ذخیره کنیم. اطلاعات زیادی، پردازش مغز را کند میکند.

برای تمرین عملی این ویژگی در خودتان روی یک صفحه کاغذ بنویسید که چه اموری ذهن شما را مشغول خود کرده است و شما کنجکاوید جواب آنرا بدانید.

حتما این ویژگی را در خودتان کنکاش کنید. کنجکاوی هستید چه چیز را بدانید؟

پرسش های ذهن خود را روی یک کاغذ بنویسید

• ویژگی دوم:

متفکر نقاد فردی **مطلع و با معلومات** است. **well-informed thinker**

ذهن کنجکاوی و جستجوگرش او را دائما به آموختن دانش، سوق میدهد و از اینرو فردی مطلع و با معلومات میشود. او سعی میکند برای باورهایش شواهد و دلایل متقن پیدا کند.

او فقط به مطالعه در باره دیدگاههای خودش بسنده نمیکند و سعی میکند از طریق **منابع دست اول** نظریات و آرا مخالفان را هم بخواند و بفهمد و سطح اطلاع و دانش خود را بالا

ببرد.

چقدر نظرات مخالفان را خوانده اید و می شناسید؟ در این زمینه حتما توجه داشته باشیم که **هر عقیده و باوری را از صاحبان آن عقیده جویا شویم.**

اینکه گفتم منابع دست اول منظورم این بود. اینکه یک روحانی شیعه بخواهد به من بگوید اهل سنت در باره موضوعی چگونه فکر میکنند مورد قبول من نیست چون ممکن است یا درست نفهمیده باشد یا تمایلات و گرایش های مذهبی اش نگذارد آن دیدگاه منصفانه بیان شود و بقولی موضوع را دستکاری کند.

متفکر نقاد فردی مطلع است و میدانند چگونه مطالب مورد نظرش را از منابع اصلی دریافت کند.

همانطور که در قسمت بالا توضیح دادم، مطلع بودن نباید به این منجر شود که ذهن را از معلوماتی انباشته کنیم که معلوم نیست اصلا بدرد ما بخورد. هرچند دانستن هر چیز از ندانستن ان بهتر است اما اگر ذهن با داده های زیاد بیش از حد انباشته شود مجالی برای تفکر برایش باقی نمیماند.

گاهی در نظام های آموزشی اینقدر حجم مطالب درسی بالاست که مجالی برای فکر کردن باقی نمیماند و فراگیران راهی جز حفظ مطالب درسی برای نوشتن در برگه امتحان ندارند، مطالبی که چون در ذهن درست حلاجی نشده بزودی از یاد میرود و فراموش میشود.

یکی از چالش های آموزش مهارت فکر کردن در مدارس و دانشگاهها این است که دیران و استادان شکایت میکنند که وقت لازم را برای تدریس حجم انبوه مطالب درسی را در اختیار ندارند چه برسد به اینکه بخواهد مهارت فکر کردن در باره این مطالب را در برنامه درسی بگنجانند.

تمرین عملی شما در ویژگی دوم این است که ببینید چقدر در باره مطالب مورد نظرتان اطلاعات دارید و این معلومات را از چه کانالی دریافت کرده اید.

اگر از یک خدا باور یاد گرفته اید خداناباوران چه میگویند حتما تجدید نظر کنید و بروید از منابع دست اول اطلاعات را بگیرید.

در دام رسانه ها که مطالب گزینشی به خورد مخاطب میدهند نیز نیافتید. گاهی برای اینکه به نظر برسد میخواهد مطلبی را عینا از منبع دست اول به ما عرضه کند جمله بریده شده ای را که هیچ سنخیتی با دیدگاه کلی گوینده ندارد را در تحلیل خود فریب کارانه جای میدهند.

تمرین عملی شما این باشد که ببینید چقدر مطالب را از منابع دست اول و صاحبان فکر و نظر گرفته اید و چقدر از منابع دست دوم. اگر میخواهید بدانید مارکسیست ها چه میگویند بروید کتاب های خودشان را بخوانید.